

## درس پانزدهم - شیر و موش

### واژگان

<p>وحوش : جانوران وحشی - جانوران اهلی نشده خطا کار : گناهکار - کسی که کار نادرستی انجام داده است مغفرت : بخشش گناهان - آمرزش بازیگوش : کسی که بیشتر به فکر بازی و تفریح است حاصل کرد : به دست آورد یک غازی : بی ارزش - ناچیز بشتافت : شتابان رفت - تند تند رفت هراس : ترس - احساس نگرانی</p>	<p>بیشه : جنگل - جنگل کوچک موشک : موش کوچک خفته : خوابیده - به خواب رفته متغیر : خشمگین - عصبانی لابه : التماس حول و وحوش : اطراف - دور و بر خلاص : رهایی صید : شکار</p>
<p>حدس زدم : گمان کردم - فکر کردم فاش : آشکار - ظاهر قطعات : قطعه ها - تکه ها وادار کردن : مجبور کردن سابق : گذشته - قبل</p>	<p>ناهماهنگی : بی نظمی متفکرانه : در حال تفکر - اندیشمندانه مرور : مطالعه مطلبی به صورت سریع - تندخوانی تعلق داشتن : وابستگی داشتن - مال کسی بودن تحمل : صبر - شکیبایی</p>

### هم خانواده

<p>تکلیف : مکلف تعلق : متعلق مربوط : ربط - رابط موفقیت : توفیق - موفق راضی : رضا - رضایت میل : مایل - امیال وضع : اوضاع - وضعیت</p>	<p>متغیر : تغییر وحوش : وحشی مغفرت : استغفار رحم : رحمان - رحیم صید : صیاد عوض : تعویض حاصل : محصول</p>
---	---

### مخالف :

<p>درست : غلط گریه : خنده تشویق : تنبیه رهایی : اسارت آخرین : اولین جدی : شوخی</p>	<p>سخت : آسان خفته : بیدار بهترین : بدترین خواب : بیدار حقیقت : دروغ موفقیت : شکست</p>
--	--

### واژگان املائی

<p>آشفته - متغیر - بازیگوش - یک غازی - هراس - وحوش - خطاکار - مغفرت - لابه - صید - حول و وحوش - خلاص - جدیت - موضوع - جست و خیز - به شدت - آغوش - واقعاً - تعلق - داوطلب - می غلتید</p>
---

### شیر و موش

موشکی کرد ، خوابش آشفته

بود شیری به بیشه ای ، خفته

آن قدر گوش شیر ، گاز گرفت      گه رها کرد و گاه باز گرفت

شیری در بیشه ای خوابیده بود . موش کوچکی خواب او را بر هم زد . گوش شیر را خیلی گاز می گرفت . گاهی گوش او را رها می کرد و دوباره آن را گاز می گرفت

تا که از خواب ، شیر شد بیدار      متحیر ز موش بد رفتار

دست برد و گرفت کله ی موش      شد گرفتار ، موش بازی گوش

تا این که شیر از خواب بیدار شد ، حال شیر به خاطر بد رفتاری موش تغییر کرد و تعجب کرد . شیر دستش را برد و سر موش را گرفت و موش بازیگوش گرفتار شد

خواست در زیر پنجه له کندش      به هوا برده ، بر زمین زندش

گفت : ای موش لوس یک غازی      با دم شیر می کنی بازی

شیر تصمیم گرفت موش را از زیر پنجه اش له کند یا او را بلند کرده و به زمین بکوبد .

گفت ای موش لوس بی ارزش با دم شیر بازی می کنی ؟

موش بیچاره در هراس افتاد      گریه کرد و به التماس افتاد

که تو شاه وحوشی و من موش      موش هیچ است پیش شاه وحوش

موش بیچاره ترسید و شروع کرد به گریه و التماس کردن

که ای شیر تو شاه حیوانات جنگل هستی و من یک موش هستم . موش در مقابل پادشاه حیوانات هیچ است

تو بزرگی و من خطا کارم      از تو امید مغفرت دارم

شیر از این لابه رحم حاصل کرد      پنجه وا کرد و موش را ول کرد

تو بزرگی و من گناه کارم . امیدوارم از جانب تو بخشیده شوم . شیر به خاطر این التماس ها دلش به رحم آمد . پنجه اش را باز کرد و موش را رها کرد .

اتفاقا سه چار روز دگر      شیر را آمد این بلا بر سر

از پی صید گرگ ، یک صیاد      در همان حول و حوش دام نهاد

اتفاقا سه چهار روز دیگر همین بلا بر سر شیر آمد .

یک صیادی که به دنبال شکار گرگ بود در همان حوالی دامی گذاشت .

دام صیاد گیر شیر افتاد      عوض گرگ ، شیر گیر افتاد

موش چون حال شیر را دریافت      از برای خلاص او بشتافت

دامی که صیاد گذاشته بود نصیب شیر شد و به جای گرگ ، شیر در آن گرفتار شد.

موش وقتی از وضعیت شیر باخبر شد برای نجات دادن او با سرعت رفت

بندها را جوید با دندان

تا که در برد شیر از آن جا جان

شیر چون موشی را رهایی داد

خود رها شد ز پنجه ی صیاد

موش با دندان های خود بندهای دام را جوید تا شیر از آن دام جان سالم بدر برد و رها شد .

شیر به خاطر این که موش را رها کرد ، خودش نیز از دست صیاد رهایی یافت .

### دانش زبانی

از ترکیب اسم با ( زار ) ، واژه هایی با معنی جدید ساخته می شود .

سبزه زار : جایی که پر از سبزه است .

نمک زار : جایی که در آن زمین نمک وجود دارد .

گندم زار : جایی که در آن گندم می روید .

چمن زار : جایی که آن چمن فراوان رویده است .

نی زار : جایی که نی فراوان رویده است .

گل زار : جایی که در آن گل فراوان رویده است .

هرگاه زار به انتهای کلمه ای اضافه شود ، کلمه ای جدید ساخته می شود و از مفهوم آن ( جایی که چیزی به طور فراوان در آن وجود دارد ) درک می شود

### نکته :

در ترکیب کلماتی که آخر آن ( ه ) صدای ---- دارد اتصال با ی صورت می گیرد .

مانند: پنجه ی صیاد — کله ی موش — بیشه ی خفته — خانه ی ما

در کلماتی که صدای آخر آن ها ( آ ) است نیز هنگام ترکیب به ی نیاز داریم .

ترس ها = ترس های نادرست

در کلماتی که آخر آن صدای ه شنیده می شود و سایر کلمات اتصال با کسره صورت می گیرد .

مانند : شاه و حوش — روز دگر — مردم ایران — سردار لشکر — ماه تابان

### نکات نگارشی :

هنگام ادامه دادن یک نوشته و کامل کردن آن :

- سعی کنید ارتباط بندهای نوشته با بخش آغاز آن حفظ شود
- نشانه های نگارشی را به جا و مناسب استفاده کنید
- با جمله ها و عبارت های مناسب نوشته را به پایان ببرید

- ایرج میرزا : شاعر معروف ایرانی است . شعرهای او ساده و روان است . او در تبریز به دنیا آمد و در تهران وفات یافت .

\*\*\*\*\*

### پرسش های متن درس

۱- معنی هر واژه را بنویسید .

وحوش : حول و حوش : هراس : فاش :  
 مغفرت : خلاص : لابه : سابق :

۲- ترکیب های زیر را بسازید و معنی کنید .

گل + زار : .....

نی + زار : .....

..... + ..... : جایی زمین آن نمک زیادی دارد .

۳- مخالف کلمه های زیر را بنویسید .

خفته : گریه : خواب : رهایی :

تشویق : بیشترین : آخرین : حقیقت :

۴- با حروف به هم ریخته کلمه بسازید .

ح - ش - و - و      ت - غ - ی - م - ر      س - ا - ر - ه      ش - ب - ا - ت - ف - ت

۵- مفهوم بیت های زیر را بنویسید .

گفت : ای موش لوس یک غازی  
 با دم شیر می کنی بازی

۶- هم خانواده کلمات زیر را بنویسید .

وحوش : رحم : صید : مغفرت :

حاصل : مربوط : عوض : خلاص :

۷- کلمه گرفت در هر جمله به چه معنا است .

علی توپ را گرفت .  
 خورشید گرفت .

۸- شکل اصلی و کوتاه نشده کلمات زیر را بنویسید .

گه : گر : کای : زین :

۹- با توجه به مفهوم هر کلمه، هر دو واژه را طوری کنار هم قرار دهید که ترکیبی معنادار ساخته شود. (به علامت - یا ی میان دو واژه دقت کنید.)

مزرعه + گندم : پیاله + عسل : مهمان + ما : صدا + آب : شاه + وحوش

۱۰- باتوجه به نقش دستوری کلمات جمله بسازید .

مفعول: میوه‌ها	فاعل: مینا
.....	

۱۱- جاهای خالی شعر زیر را کامل کنید.

تو بزرگی و من .....  
از تو امید ..... دارم  
.....  
..... بندها را

۱۲- جمله زیر را بخوانید و در یک بند ادامه دهید .

من به عنوان یک دانش آموز ایرانی تمام تلاش خود را .....

۱۳- برای هر کلمه دو صفت بنویسید .

داستان : .....  
شیر: .....

۱۴- در کدام گزینه واژه ها هم خانواده نیستند .

الف ( وحوش - وحشی )      ب) رحم - حرمت      ج) خلاص - خالص      د) عوض - تعویض

۱۵- در کدام گزینه متضاد وجود دارد .

الف ( خفته ، خواب )      ب ( عظمت ، بزرگی )      ج) هراس ، ترس      د) رها ، گرفتار

۱۶- شعر شیر و موش از کیست .

الف ( سعدی )      ب) پروین اعتصامی      ج) فردوسی      د) ایرج میرزا

۱۷- کدام مورد جمع نیست .

الف ( جوانان )      ب) افکار      ج) مدارس      د) احسان

۱۸- در مصراع زیر مفعول کدام است . شیر چون موش را رهایی دارد .

الف ( شیر )      ب) موش      ج) رهایی      د) چون

<p>۷- علی توپ را گرفت : در دست گرفتن خورشید گرفت : پوشیده شدن</p> <p>۸- گاه - اگر - که ای - از این</p> <p>۹- مزرعه ی گندم - پیاله ی عسل - مهمان ما - صدای آب - شاه وحوش</p> <p>۱۰- مینا میوه ها را شست .</p> <p>۱۱- تو بزرگی و من خطا کارم از تو امید مغفرت دارم</p> <p>بندها را جوید با دندان تا که در برد شیر از آن جا جان</p> <p>۱۲- به عهده ی دانش آموز</p> <p>۱۳- داستان خوب - داستان طولانی شیر بزرگ - شیر پیر</p> <p>۱۴- گزینه ب</p> <p>۱۵- گزینه د</p> <p>۱۶- گزینه د</p> <p>۱۷- گزینه د</p> <p>۱۸- گزینه ب</p>	<p>۱- وحوش : جانوران اهلی نشده      حول و حوش : اطراف هراس : ترس      فاش : آشکار مغفرت : بخشش      خلاص : رهایی لابه : التماس      سابقه : گذشته</p> <p>۲- گل زار : جایی که گل فراوان در آن روییده است نی زار : جایی که نی فراوان در آن روییده است نمک زار : جایی که نمک زیادی در آن قرار دارد</p> <p>۳- خفته : بیدار      گریه : خنده خواب : بیدار      رهایی : اسارت تشویق : تنبیه      بیشترین : کمترین آخرین : اولین      حقیقت : دروغ</p> <p>۴- وحوش - متغیر - هراس - بشتافت</p> <p>۵- شیر گفت : ای موش لوس بی ارزش . با دم شیر بازی می کنی ؟ (یعنی کار خیلی خطرناکی می کنی )</p> <p>۶- وحوش : وحشی      رحم: ترحم صیاد : صید      مغفرت : غفران حاصل : محصول      مربوط : ربط عوض : تعویض      خلاص : خالص</p>
---	---

۱- کلمات هم معنی را پیدا کنید و هر دو کلمه‌ی هم معنی را زیر هم بنویسید.

شانس - حکم - باطل - قضا - اجل - مرگ - اشتباه - فرمان - صندوقچه - سرنوشت - وحوش - طبله -  
حیوانات - آمرزش - خلاص - مغفرت - نجات - خالی - اقبال - تهی - دستور

۲- جاهای خالی را با واژه‌های دلخواه و مناسب پر کنید.

الف) علی ..... را به دوستش داد. (ب) ..... خانه‌اش را فروخت. (ج) مهرداد دندانش را ..... .

۳- در جاهای خالی کلمه‌ی مناسب را انتخاب کنید.

دانش‌آموزان همگی ..... (لبالب - گرداگرد) مسجد روی زمین نشسته بودند.

وسط دریاچه جزیره‌ای بود که در آن ..... (نی زار - نمک زار) زیبایی به چشم می‌خورد.

۴- مصراع بعدی هر یک از مصراع‌های زیر را بنویسید.

نظر کرد آن نگون اقبال بر زیر .....

به کلی رشته‌ی امید بگسست .....

به خاک افتاد هم صیاد و هم باز .....

۵- در بیت زیر منظور از کشتی بی ناخدای چیست ؟ گر فراموشت کند لطف خدای چون رهی، زین کشتی بی ناخدای؟

۶- با توجه به بیت زیر چرا نشستن و پرواز کردن کبوتر شایسته نبود؟ به زیر پای صیاد و به سرباز نه بنشستن صلاح است و نه پرواز

۷- مترادف و هم خانواده‌ی کلمات زیر را در جدول بنویس.

واژه	صلاح	عطار	منزل
مترادف			
هم خانواده			

۸- معنی عبارات زیر را بنویسید.

- آموخت و نکرد - خاموش هنر نمای - فرزند خرد - نظر کرد - یک غازی

۹- جدول زیر را کامل کنید. (باور - نمک - نفوذ)

واژه	+	واژه‌ی جدید	معنی
.....	+ زار	.....	.....
.....	+ ناپذیر	.....	.....
خود	+ .....	.....	.....

<p>۶- چون صیاد در پایین و باز در بالای سر او بودند . چه می نشست و چه پرواز می کرد در هر صورت شکار می شد</p> <p>۷- صلاح : درست                      هم خانواده : مصلحت عطار : عطر فروش                    هم خانواده : عطر باطل : اشتباه                        هم خانواده : ابطال</p> <p>۸- علم را فرا گرفت ولی به آن عمل نکرد بدون سر و صدا هنرش را نشان می دهد بچه ی کوچک بی ارزش و ناچیز</p> <p>۹- نمک زار : جایی که زمین آن نمک زیادی دارد نفوذ ناپذیر : جایی که به آسانی نمی توان در آن وارد شد خود باور : کسی که به توانایی های خودش ایمان دارد و باور دارد</p>	<p>۱- اقبال : شانس                      قضا : سرنوشت آمزش : مغفرت                      وحوش : حیوانات اجل : مرگ                              خلاص : نجات خالی : تهی                            طبه : صندوقچه اشتباه : باطل                      فرمان : دستور</p> <p>۲- علی کتاب را به دوستش داد. لیلا خانه اش را فروخت . مهرداد دندانش را مسواک زد .</p> <p>۳- گرداگرد – نی زار</p> <p>۴- که صیادی کمان بر کف به زه تیر در آن دم دل به امید خدا بست کیوتر شاد و خندان کرد پرواز</p> <p>۵- گهواره ای که روی آب رها بود</p>
---	--